

محمد پنجعلی، فوتبالیست پیشکسوت درباره علت روی آوردن خود و فرزندانش به کار هنری می‌گوید

پنجعلی‌ها در آتلیه «پنج»

◀ من نتوانستم در این فوتبال بمانم، چون مثل آقایان بله‌قربان گونبومد

◀ فوتبال سال‌هاست از ورزش جدا و دست‌ما به سیاستون شده تا به اهداف خود بر سند

باشند، نه اسبم من. نمی‌خواهم صرفا به خاطر این‌که من پدر آنها هستم مراجع داشته باشم، چون معتقدم کیفیت‌بهترین تبلیغ است.

● البته کار وقتی سخت‌تر می‌شود که اسم شما هم در میان باشد.

دقیقا همین‌طور است. بچه‌ها باید از همه‌نظر مواظب باشند. آنها باید بر خورد خوبی با مشتری داشته باشند و احترام را سرلوحه کار خود قرار دهند، چون اسم من در میان است و مردم انتظار بهترین برخورد را دارند. ضمن این‌که باید بهترین کار را هم تحویل مشتری بدهند، چون اگر کار خوب نباشد، به حسن شهرت خودشان و من ضربه می‌خورد. به همین دلیل است که فعلا نمی‌خواهم آتلیه پسرانم شهرت زیادی به دست بیاورد. ما به افزایش تجربه در این زمینه نیاز داریم تا بتوانیم به بهترین شکل ممکن جوابگوی مردم و توقعات آنها باشیم. اگر مردم از برخورد و حسن رفتار پسرانم راضی باشند، همین برای تبلیغ کافی است. (در این بین میثم پنجعلی هم تاکید می‌کند در آتلیه آنها حق همواره با مشتری است و او تلاش می‌کند پاسخگوی خوبی برای اعتماد مردم به نام پدرش باشد.)

● در صحبت‌های تان گفتید بچه‌ها به هنر علاقه زیادی دارند. شما در شکل‌گیری این علاقه چه تأثیری داشتید؟

در این یک مورد من هیچ تأثیری روی بچه‌ها نداشتم، چون تنها هنری که در زندگی بدم، کنییدن یک گلابی است. فکر می‌کنم بچه‌ها استعداد هنری را از مادرشان به ارث بردند، چون او در خط و نقاشی تبحر دارد. من خوشحالم که فرزندان سالمی دارم و هم برای‌شان پدر هستم و هم رفیق. از این‌که پسرهایم به من افتخار می‌کنند برایم از هر چیز دیگری در دنیا با ارزش‌تر است. خودم در زندگی هر چیزی دارم از پدر و مادرم است و به همین دلیل توانستم عاطفه و محبت را در زندگی‌ام جاری کنم. همین محبت و شوق فرزندانم به من برایم مهم‌ترین رکن زندگی است.

● علاقه‌ای برای ورود پسرها به فوتبال نداشتید؟

بهر حال هر پدری که در ورزش فعالیت می‌کند، دوست دارد پسرهایش هم ورزشکار شوند. من هم مثل بقیه پدرها دوست داشتم پسرانم را در مسابقات سبز بینم، اما برای هر کدام اتفاقاتی افتاد که مانع شد. میثم که تا سال ۷۸ در فوتبال بود، اما به دلیل مصدومیت نتوانست ادامه دهد. پسر کوچکترم سجاد حتی سابقه آقای گلی در لیگ نوجوانان را هم داشت و از باشگاه الوصل برایش دعوت‌نامه آمد. آن زمان اماراتی‌ها می‌خواستند با تغییر ملیت او را به فوتبال خودشان بزنند که من بشدت با این موضوع مخالفت کردم. متأسفانه فرزندان فوتبالیست‌ها در ایران نمی‌توانند به جایی برسند، چون مدام زیر دربین هستند و هزاران مطلب درباره آنها نوشته می‌شود که با پارتی وارد فوتبال شده‌اند. اما حقیقت این است که میثم و سجاد واقعا از استعداد خوبی برخوردار بودند، اما مناسد که در فوتبال بمانند.

● در کل فوتبال ایران توانایی برای پرورش و حفظ ستاره‌ها را ش ندارد.

متأسفانه ما در ایران دل‌مان را به اسم آکادمی خوش کرده‌ایم. کسی نمی‌گوید این آکادمی که در ایران داریم هیچ شباهتی به آکادمی‌های خارجی ندارد. ما این‌جا دو ساعت بازیکنان را در اختیار داریم و نهایتش این است که یکی دو نفر را که خیلی با استعداد هستند، به باشگاه‌ها معرفی کنیم، اما بعد از آن معلوم نیست چه اتفاقی رخ می‌دهد. بزرگ‌ترین مشکل بچه‌های کم‌سن و سال در فوتبال ایران معضل سربازی است. اگر خوش شانس باشد، تیم‌های نظامی بایباند سراغش و گرنه از بین می‌رود و بعد از دو سال دیگر نمی‌تواند به فوتبال در سطح حرفه‌ای ادامه دهد. متأسفانه استعدادهای زیادی به دلیل همین مشکل سربازی از دست می‌روند و حتما باید ساز و کاری برای این ماجرا اندیشید.شود.

سجاد پنجعلی:

پدرم هنوز عاشق فوتبال است

فرزند دوم محمد پنجعلی که این روزها در آکادمی فوتبال پدرش برای پرورش استعدادهای کم‌سن و سال تلاش می‌کند، در سال‌های نوجوانی‌اش در تمرینات پرسپولیس حضور داشت. او حتی در ۲۳ سالگی هم زیر نظر افضین قطبی، مربی وقت پرسپولیس تمرین می‌کرد، اما در نهایت نتوانست به آنچه در فوتبال می‌خواست، دست پیدا کند. سجاد درباره جدایی‌اش از فوتبال می‌گوید: «هن مدت‌ها در تمرینات تیم‌های پایه پرسپولیس و حتی تیم بزرگسالان حضور داشتم. می‌شنیدم که همه از کیفیت فوتبالی‌ام حرف می‌زنند، اما در نهایت اتفاقاتی برایم رخ داد که فوتبال دلسرد شدم. به چشم خودم می‌دیدم باین‌که در تمرینات خوب بودم، اما انگار سرمربی تیم می‌ترسیده من بازی دهم. ظاهرا نام فامیلی من دست و پای مربیان را برای این‌که در ترکیب بازی کنم، بست، چون نمی‌خواستند پشت سرشان این حرف باشد که فلاخی پسر محمد پنجعلی را به خاطر پدرش بازی می‌دهد. حتی وقتی قطبی سرمربی پرسپولیس بود، می‌گفت به من اعتقاد دارد، اما قضای در اختیارم قرار داده‌نشد. فکر نمی‌کنم دلیل استفاده نکردن مربیان از من به مسائل فنی ربط داشته باشد، بلکه فقط به دلیل این‌که پسر بازیکن مشهور و محبوب پرسپولیس بودم، ریسک نمی‌کردند تا من را بازی دهند. البته این اتفاق برای اغلب هم‌نسلان من که پدران فوتبالیست داشتند، رخ داد و من همیشه بابت این موضوع افسوس می‌خورم که چرا به همین سادگی یک نسل از استعدادهای خوب این فوتبال به هدر رفتند و سوختند. امیدوارم این اتفاق برای نسل فعلی پسران فوتبالیست‌ها رخ ندهد و به آنها فضای برای بروز استعدادشان داده شود.» سجاد پنجعلی درباره آتلیه عکاسی که به همراه برادرش آن را اداره می‌کند، می‌گوید: «به دلیل مصدومیت و دلسردی، فوتبال را خیلی زود کنار گذاشتم. آن روزها روحیه خوبی نداشتم و خودم را با درس و دانشگاه سرگرم کردم. حالا مندی است که کنار پدرم در آکادمی فوتبال او حضور دارم و در آتلیه عکاسی هم فعالیت می‌کنم. اگرچه پدرم دوست دارد همیشه کنار فوتبال و پرسپولیس باشد و وقتی که در پرسپولیس مشغول می‌شود، روحیه‌اش بهتر است، اما هیچ وقت دنبال منافع شخصی خود نبود و از اسمش هم برای فوتبالیست کردن پسرانش استفاده نکرد. او حالا در آتلیه ما را همراهی می‌کند و حضور او کار ما را سخت‌تر کرده. حالا ما منتظره‌ایم حواس‌مان به کیفیت کار باشد، بلکه باید مراقب رفتارمان با مردم نیز باشیم تا آنچه او خندش دارد، نشود. البته عشق همیشگی او فوتبال است و دوری از آن برایش خوشایند نیست.»

هم کشیده می‌شود، به همین دلیل باید خیلی مواظب باشیم. البته من به بخشی مثبت ماجرا نگاه می‌کنم و امیدوارم بهترین اتفاق برای آتلیه ما رخ دهد.» میثم درباره این‌که چرا نتوانست فوتبالش را ادامه دهد، می‌گوید: «بارها شده برای زودتر انجام شدن کارهای اداری از اسم پدرم استفاده کردم، اما در فوتبال هرگز. من از ۱۳ سالگی در تمرینات پرسپولیس شرکت می‌کردم، اما مثل بقیه پسرهای فوتبالیست‌های معروف در ابتدای فوتبالم با دوران اوج پدرم مقایسه شدم. مثلا وقتی توپ روی پایم جور نمی‌شد تا شوت بزنم، خیلی‌ها می‌گفتند این پسر هیچی نمی‌شود و شباهتی به پدرش ندارد. این حرف‌ها در حالی پشت سر من و همه بچه‌های فوتبالیست‌ها زده می‌شد که ما را در روزهایی که تازه وارد چمن فوتبال شدیم با دوران ملی‌پوشی پدرهای‌مان مقایسه می‌کردند. چندسال پیش که برادر کوچکترم و چند فوتبالیست دیگر که در رده نوجوانان بودند و در انتظار دعوت شدن به تیم ملی به سر می‌بردند، متأسفانه مربیان وقت تیم ملی با شناسنامه‌های جعلی و صغر سن بازیکنانی را دعوت کردند که در نهایت باعث آبروریزی برای فوتبال ایران شد. به همین راحتی یک نسل از فوتبالیست‌های مستعد که تا الان هم می‌توانستند بازی کنند، نابود شدند. در حالی که می‌بینیم واقعا تفاوت کیفی زیادی بین بازیکنان فوتبال نیست و فرق اصلی که بین فوتبالیست‌های لیگ برتر و دسته اول وجود دارد، خودروهای آنهاست.» پنجعلی در پاسخ به این سوال که آیا به بچه‌های فوتبالیست‌ها در فوتبال ایران شک دارید، می‌گوید: «بله، واقعا این اتفاق در فوتبال ایران رخ داده است. برخی با پیش‌فرض‌های ذهنی خود به بچه‌های فوتبالیست‌ها ظلم کردند و نگذاشتند آنها استعداد خودشان را نشان دهند. من به دلیل دیسک کمر دیگر نتوانستم فوتبال را ادامه دهم، اما برای برادرم افسوس می‌خوردم که با وجود تکنیک سرشاری که داشت، نگذاشتند در فوتبال ایران به حق خودش برسد. پدرم هم خیلی دوست داشت حداقل یکی از ما فوتبالیست شود، اما وقتی می‌دید چه اتفاقاتی برای‌مان رخ می‌دهد، به ما دل‌داری می‌داد و همیشه کنارمان بود.»

میثم پنجعلی، پسر بزرگ محمد پنجعلی است که پیشنهاد راه‌اندازی این آتلیه از طرف او بود. او بعد از این‌که دیگر نتوانست به دلیل مصدومیت فوتبال را ادامه دهد، ترجیح داد تحصیلاتش را پیگیری کند. پنجعلی بعد از کسب فوق‌لیسانس مدیریت صنعتی به حرفه‌ای که همیشه دوست داشت، روی آورد. او با حمایت پدر و کمک برادر کوچکتر خود این آتلیه عکاسی را به راه انداخت. پسر ارشد برترین دفاع آخر فوتبال ایران درباره این اتفاق می‌گوید: «من به خوبی می‌دانم که اسم پدرم برندی مهم است که همه مردم ایران چه استقلال‌لی‌ها و چه پرسپولیسی‌ها او را دوست دارند. شاید برخی از بازیکنان استقلال و پرسپولیس بین هواداران تیم رقیب متغور باشند، اما پدر من این‌طور نبوده و هواداران هر دو تیم او را دوست دارند. همین باعث شد من از اسم پدرم برای این آتلیه استفاده کنم. همیشه هم از پدرم خواسته‌ام کنار ما حضور داشته باشد تا بتوانیم از حضور فیزیکی او هم بهره ببریم. البته راه انداختن این آتلیه یک تصمیم جمعی بود و وقتی با هم این موضوع را بررسی کردیم، به تفاهم رسیدیم که آن را اجرا کنیم. همان‌طور که پدرم گفت ما فعلا چراغ خاموش حرکت می‌کنیم و می‌خواهیم بهترین کیفیت را دست مردم بدهیم تا آنها از این‌که به واسطه نام پدرم سراغ کار ما آمده‌اند، راضی باشند. نباید صرفا مردم را به سمت خودمان بکشانیم و کیفیت نداشته باشیم.» قطعا این آتلیه می‌تواند با استفاده از تصاویر و نام اهالی فوتبال تبلیغات بیشتری داشته باشد و مردم را جذب کند: «تا حالا شده که برخی از همبازی‌های قدیمی بایا به آتلیه ما آمده و عکاسی کرده‌اند، اما هنوز دعوت گسترده‌ای از اهالی فوتبال نداشته‌ایم. همان‌طور که گفتیم ما به دنبال کیفیت بیشتر و بهتر هستیم، تا این موضوع بهترین تبلیغ برای کارمان باشد. مشهور شدن این آتلیه هم به سود ما است و هم می‌تواند سختی کار را برای‌مان بیشتر کند. به همین دلیل است که ما اول و آخر کارمان براساس تعهد به مشتری است و می‌دانیم که باید مردم‌دار باشیم تا مثل پدرمان باشیم. کار ما به اندازه‌ای سخت است که اگر کوچکترین اشتباهی انجام دهیم، کار حتی به رسانه‌ها

پریسا اسلام‌زاده | پیدا کردن یک آتلیه عکاسی از روی تابلوی کوچک آن در عصر یک روز پاییزی در کوچه پس‌کوچه‌های یوسف‌آباد کار سختی نیست. حتما برای شما هم جالب است وقتی بشنوید و ببینید که فرزندان یک فوتبالیست معروف به شغلی هنری روی آورده و از نام و حضور پدرشان برای تبلیغ آتلیه خود استفاده می‌کنند. محمد پنجعلی که از فوتبالیست‌های

سال حرف از خصوصی شدن استقلال و پرسپولیس است، مگر فوتبال مافقط استقلال و پرسپولیس هستند که تمام توجهات روی این دو تیم متمرکز شده است؟ بگذریم از این‌که در خصوصی‌سازی این دو تیم هم

را به لیگ دسته اول می‌فرستند و سال بعد دوباره تیم می‌گیرند و همان اتفاقات تکرار می‌شوند. آن وقت کسانی مثل علی کریمی که می‌خواهند وارد فوتبال شوند، با مشکلات عجیبی روبه‌رو می‌شوند و ترجیح می‌دهند کنار بروند. همان‌طور که در سطوح مختلف مملکت فامیل بازی و پارتی‌بازی حاکم است، در فوتبال نیز همین اتفاق می‌افتد و استعدادهای بازیگری و حتی مربیگری به راحتی هز می‌روند. سال‌هاست داریم از فوتبال حرفه‌ای حرف می‌زنیم، فوتبالی که برای حرفه‌ای شدن فقط یک اتفاق در آن رخ داد و فقط دستمزدها بالا رفت. عجیب است که افرادی بدون داشتن تخصص لازم وارد فوتبال شدند و از حرفه‌ای‌گری حرف زدند، اما از قبل آماتور تر شدیم. هر

من دوره‌های مربیگری و مدیریت فوتبال را در خارج از کشور گذراندم. پس چرا در فوتبال حضور ندارم، اما تادل تا بخواهد کسانی را در این رشته می‌بینید که نه گذشته روشن و مشخصی دارند، نه تخصصی برای حضور در فوتبال.

خوشنام و برجسته فوتبال ایران و پرسپولیس است، مثل بسیاری از بازیکنان فوتبال دوست داشت پسرانش وارد این عرصه شوند، اما میثم و سجاد هم مانند اغلب پسرهایی که توپ فوتبال را به عشق پدر شناختند، نتوانستند در این رشته دوام بیاورند. دوری پسران خانواده پنجعلی از فوتبال باعث شد آنها مثل مادرشان به فعالیت‌های هنری روی بیاورند و آتلیه عکاسی

جواب این سوال خیلی ساده است. فوتبال سال‌هاست از ورزش جدا و دست‌ما به سیاستون شده است تا به اهداف خود برسند. این‌که چرا برای اداره فوتبال از افراد فوتبالی استفاده نمی‌شود، مدبرانی که تخصص ورزشی ندارند، یا به فوتبال می‌گذارند، همیشه وجود دارد و البته جوابی هم برای آن نیست.

بهاشگاه‌هاست تا بتوانند درآمدزایی داشته باشند. عجبا که نه تنها این حق اولیه به باشگاه‌ها تعلق نمی‌گیرد که حرف از خصوصی‌سازی می‌زنیم، تا وقتی دولت برای اداره سرخابی‌ها از جیب مردم هزینه کند، وضع از اینی که هست بدتر هم می‌شود.

● این سوال که چرا برای اداره فوتبال از افراد فوتبالی استفاده نمی‌شود، مدبرانی که تخصص ورزشی ندارند، یا به فوتبال می‌گذارند، همیشه وجود دارد و البته جوابی هم برای آن نیست.

جواب این سوال خیلی ساده است. فوتبال سال‌هاست از ورزش جدا و دست‌ما به سیاستون شده است تا به اهداف خود برسند. این‌که چرا برای اداره فوتبال از افراد فوتبالی استفاده نمی‌شود، مدبرانی که تخصص ورزشی ندارند، یا به فوتبال می‌گذارند، همیشه وجود دارد و البته جوابی هم برای آن نیست.

حرکت می‌کنیم. البته نه این‌که این آتلیه معروف نشده باشد، بلکه از روی عدم هنوز تبلیغات وسیعی به راه نینداخته‌ایم، چون می‌خواهیم کار به اصطلاح پایگیر و بچه‌ها با توانایی‌های خودشان مشهور شوند. در واقع من می‌خواهم آنچه باعث تبلیغ این کار می‌شود، کار بچه‌ها

● محمد پنجعلی به عنوان یکی از بزرگ‌ترین فوتبالیست‌های ایران است که در دوران بازی‌نشستگی از فوتبال به حضور در شغل دیگری رضایت داده. این اتفاق خوب است یا بد؟

این‌طور نیست که من تازه بازی‌نشسته شده باشم و این شغل را برای روزهای دوری‌ام از فوتبال انتخاب کرده باشم. همیشه بر خورده‌ام با من در فوتبال به گونه‌ای بود که دوست نداشتمند من در این رشته بمانم و فعالیتی داشته باشم. (در همین حین پسر بزرگ پنجعلی وارد بحث می‌شود و می‌گوید این‌طور نیست که بابا به خاطر پر کردن اوقات خود کنار ما حضور دارد، بلکه بودن ایشان برای ماسیاس مهم است و از این‌که کنارمان حضور دارند، خوشحالیم، چون می‌توانیم بهترین استفاده را از ایشان داشته باشیم)، من نتوانستم در این فوتبال بمانم، چون مثل آقایان بله‌قربان گونبومد و مسائلی را که برخلاف عرف و اصول باشند، زیر پا نمی‌گذارم. من در این فوتبال هر وقت بدی و فساد دیدم، به صدا درادم و انتقاد کردم، به همین دلیل کنار گذاشته شدم. تمام اهالی فوتبال هم می‌توانند شهادت دهند که انتقادهای من هرگز از روی بغض و کینه نبوده، بلکه به خاطر این بوده که دلم برای فوتبال و عاشقان آن می‌سوزد. این‌که من امروز کنار فرزندانم حضور دارم و کار هنری انجام می‌دهم، به همین دلایلی است که گفتیم. وقتی برای امثال من که زندگی‌مان را برای فوتبال گذاشتیم تا متخصص آن شویم، در این رشته جایی نیست، باید چه کار کنیم؟ این حرف‌هایم به معنای خودستایی نیست، اما من دوره‌های مربیگری و مدیریت فوتبال را در خارج از کشور گذراندم، پس چرا در فوتبال حضور ندارم، اما تا دل‌تان بخواهد کسانی را در این رشته می‌بینید که نه گذشته روشن و مشخصی دارند، نه تخصصی برای حضور در فوتبال. البته مشکل خودم را می‌دانم. من افرادی را که مال فوتبال نیستند، می‌شناسم. این روزها شرایط جوری شده که افراد سینه‌سوخته در فوتبال خانه‌نشین شده‌اند، چون افرادی خودشان را به فوتبال وصل کرده‌اند که اجازه حضور آنها بی که در باندشان نیستند نمی‌دهند.

● چرا آنها بی که از بهترین‌های فوتبال هستند برای نجات این رشته وارد نمی‌شوند؟

مگر چسبیده‌ها به این فوتبال اجازه می‌دهند چنین اتفاقی رخ دهد؟ در این صورت منفعت آنها از بین می‌رود. من هم دلیلی برای حضور در فوتبال نمی‌بینم. همین که الان می‌بینم بین مردم آبرو دارم و خدا به اندازه خودم هم برایم روزی تعیین کرده، پس چرا وارد فوتبالی شوم که فقط فساد و در دسر و حاشیه دارد؟ همان‌طور که در هیچ کجای کشور افراد شایسته بر مسندهای مهم حضور ندارند، در فوتبال هم همین‌طور است. ما وقتی انقلاب بر این فوتبال اجازه می‌دهند سالاری بود. چیزی که الان حلقه مفقوده در کشور است و فقط هم به فوتبال ختم نمی‌شود. چه در دوران بازیگری و چه بعد از خداحافظی از فوتبال هرگز برای خود چانه‌زنی نکردم و هر چه خواسته‌ام برای فوتبال و مردم بوده، اما چه‌فایده؟

● فکر می‌کنید از دست کسی برای نجات فوتبال کاری بر نمی‌آید؟

فوتبال وقتی درست می‌شود که همه چیز کشور درست شود. واقعا دل برای جامعه می‌سوزد. ایران برای پیشرفت و توسعه همه چیز دارد. ما در ایران هم ثروت داریم، هم استعداد، اما مدیری لایق و باتدبیر برای تلفیق ثروت و نیروی انسانی نداریم. یکی از آرزوهای من همیشه این بوده که قبل از بسته شدن دفتر سرنوشت و یک دور چرخیدن در روزشگاه شیرودی، ببینم تمام مشکلات جامعه و فوتبال حل شده و جوان‌های ما به سروسامان رسیده‌اند. از این‌که در این فوتبال هرگز وصله ناجوری به من نجسیده، خوشحالم و می‌بینم بهتر است در این فوتبال نباشم، چون فقط یک عده محدود هستند که بنا به شایستگی‌های خود در فوتبال حضور دارند و ر حتم می‌کشند، اما تلاش